

# رئیس جمهوری که خودش را وقف مردم کرد

تهران- ایرنا - چهار شبانه روز است که ایران در تب داغ از دست دادن سید محرومان خود میسوزد، سیدی که با دلسوزی و بدون خستگی به گوشه و کنار کشور سر می‌کشید تا گوش شنوای همگان باشد، در یکی از همین سفرها به آذربایجان شرقی روحش پرکشید و بر سفرهای خود نقطه پایان گذاشت، اما شد شهیدِ جمهور، این یعنی تا همیشه تو رئیس جمهور ما خواهی بود.

گروه جامعه [ایرنا](#) - ۳۰ اردیبهشت ماه روزی که سید ابراهیم رئیسی به عنوان رئیس جمهور کشورمان برای افتتاح سد قیزقلعه سی خداآفرین در آذربایجان شرقی وارد فرودگاه بین المللی شهید مدنی تبریز شد کسی فکرش را هم نمی کرد که این آخرین سفر استانی این سید بزرگوار باشد، وقتی همراه با الهام علی اف، رئیس‌جمهور آذربایجان طرح مشترک سد قیزقلعه سی را افتتاح کردند تبلور توانایی و غرور ایران و ایرانی در دستان این مرد خیره کننده بود، بعد از آن عصر همان روز راهی ورزقان شد تا پروژه ارتقای کیفیت پالایشگاه تبریز را در این منطقه افتتاح کند، مسیری که هیچگاه به پایان نرسید و به حادثه ای تلخ منتهی شد.

در این پرواز حجت‌الاسلام سید محمدعلی آل هاشم نماینده ولی‌فقیه و امام جمعه تبریز، حسین امیرعبداللہیان وزیر امور خارجه، مالک رحمتی استاندار آذربایجان شرقی، سردار سید مهدی موسوی فرمانده یگان حفاظت ریاست جمهوری ایشان را همراهی می کردند، ناگهان سکوت همه جا را فرا گرفت، خبر رسید که بالگرد رئیس جمهور فرود سخت داشته، قلبها در سینه به تپش در آمد، چشم ها نگران و گوش ها منتظر شنیدن خبری خوش از سید محرومان و همراهان بود، در زمانی کوتاه تمام ایران که نه تمام دنیا گوش و چشم شد که چه اتفاقی افتاده است.

هوا بارانی و مه آلود است، سردی هوا تا درون انسان را می لرزاند، عقربه های ساعت مسیر خود را طی می کنند اما گویی زمان ایستاده ، همه چیز سنگین شده و از حرکت بازمانده است، دیگر نگرانی و اضطراب در چهره ها هویدا می شود، نیروهای امدادی وارد میدان می شوند این یعنی اینکه حتما اتفاقی افتاده است، چند ساعتی است که از رئیس

جمهور و همراهان خبری نیست، هوا تاریک و تاریک تر و سرد و سردتر می شود، همه به تکاپو افتاده اند، ظلماتی هوا را گرفته که بر دلهره ها می افزاید، خبرهای مختلف و ضد و نقیض شنیده می شود اما از آنجا که طبیعت انسان است تا آنچه را که دوست ندارد باور نکند؛ این را هم نمی خواستیم باور کنیم که خادم امام رضا را در شب ولادتش از دست داده ایم، اما افسوس و صد افسوس که گریزی از واقعیت نیست.

شب دلهره آور صبح نمی شد، سپیده دم هم لج کرده بود و رخ نمی نمود، برای ما ایرانیان یلدا طولانی ترین شب است اما گویی آن شب یلدایی تازه رقم خورد، یلدایی که گویی صبحی روشن به دنبال نداشت، بالاخره هوا روشن شد اما صبح نشد، یعنی از آن روز دیگر صبح نشد؛ خبر بد رسید؛ رئیس جمهور و همراهانش شهید شدند، ایران و دنیا در بهت این خبر فرو رفت، چطور ممکن است؟ یعنی به همین راحتی هشت نفر که برای خدمت به مردم تلاش می کردند جانشان را از دست دادند؟ یعنی دیگر همه چیز برای این هشت نفر تمام شد؟ اما از آنجا که انسان در این موارد موجودی بسیار ضعیف است باید قبول می کردیم که بله تمام شد؛ اما این به معنای فراموش کردنشان نبود، قطعاً کودکی که مهر دستان سید محرومان را بر سر خود احساس کرد؛ گرمی آنرا فراموش نمی کند، بی بی گلی که خادم امام هشتم خانه دارش کرد همیشه سقف بالای سرش را مدیون آن قلب مهربان خواهد بود، جوانانی که با مهر وی صاحب کار، خانه و همسر شدند برای همیشه آن نگاه پدرانه را در خاطر خواهند سپرد، ملت قدردان ایران هیچگاه خدمات خالصانه و مخلصانه شهید خدمت را در مدت ۳۳ ماه تلاش شبانه روزی فراموش نخواهند کرد.

خبر درست بود، رئیس جمهور سفرهای استانی خود را در جنگل های دیرماز در محدوده ای بین ورزقان و جلفا در آذربایجان شرقی به پایان رسانده بود و روح بلندش از فراز جنگل های سرسبز و هوایی مه آلود به آسمان پر کشید؛ قطعاً قلب مهربانش نگران فرزندان در ایران است و حتماً از آنجا از آن بلندی ملکوتی حواسش به پایین و ما هست، حتماً ضمانت ما را نزد امام همام ضامن آهو خواهد کرد، اویی که یک عمر خادم امامی مهربان بود ما را تنها نخواهد گذاشت ولو اینکه جسمش در زمین خاکی نباشد اما سایه مهر روح بلندش بر سر ما خواهد بود، دامن کشان رفتی دل امتی را زیر و رو کردی.

بعد از آن مردم قردان تبریز از شهید جمهور و همراهانش بدرقه باشکوهی کردند، اول خرداد هواپیمای آنها در فرودگاه مهرآباد بر زمین نشست تا بر پایان سفرهای استانی نقطه گذاشته شود، تمام مسوولان با چشمانی اشکبار و بر سینه و سر زنان در مسیر حرکت این شهیدان خدمت ایستادند تا بگویند که برای همیشه سربازان خواهیم بود، تابوت ها بر دست ها روان و راهی قم شدند، رفتند تا سلامی به خواهر امام هشتم که عمری خادمش بودند داده باشند، آنجا هم مردم مهربان قم سنگ تمام گذاشتند و از مهمانانشان با گشاده رویی اما با قلبی آکنده از درد استقبال کردند، بعد از طواف در حرم و مسجد جمکران دوباره راهی تهران شدند، رفتند مصلی امام خمینی تا شب وداع شکل بگیرد، مردم بروند با خادم خود و یارانانش خداحافظی کنند، شبی پر درد و سوزناک، همراه با غم و اشک به نیمه رسید، دیگر وقت ترک آن محل بود؛ بدون اینکه دخالتی در این روند داشته باشی باید سوار بر موج قسمت به پیش روی.

دوباره تابوت ها سوار بر دوش جمعیت از صحن شبستان مصلی خارج شد، هوا بسیار دلگیر است و این در میان گریه و زاری مردم سوزناک تر می شود، راهی دانشگاه تهران شدند، رفتند تا دمی بیاسایند تا شاید خستگی این مدت تلاش بی وقفه و شبانه روزی از تنشان خارج شود؛ چون صبح اول وقت مهمان عزیزی داشتند، باید آماده می شدند تا با چهره ای خندان از مهمانان پذیرایی کنند، چون به گوششان رسیده بود که قرار است رهبر انقلاب نمازشان را بخواند، حتما در دلشان شادی غوغا می کرد.

سپیده زد، دسته دسته عزاداران راهی دانشگاه تهران شدند، ناخودآگاه موج جمعیت قطرات اشک را بر چشمان جاری می کند، در یکی از خیابانهای فرعی مجاور پیرمردی تکیه داده به درخت و گریه هایش تمام نمی شود، مردم دوستش داشتند چون مردمی بود. ساعت ۹ صبح رهبر انقلاب آمدند، برای رئیسی عزیز خستگی ناپذیر نماز خواندند اما با بغضی در گلو که نشان می داد چه دردی در دل دارند؛ نماز تمام شد، دوباره بیکرها بر دوش مخلصان از محوطه دانشگاه تهران خارج شد، عزاداران همراه با عزیزان شهید راهی فرودگاه مهرآباد شدند تا دوباره پرواز کنند و به آغوش امام غریب، امام هشتم بروند؛ چون فرار است خادم ایران در حلقه مهر رضا به آرامش ابدی برسد، دیگر شلوغی و ترافیک تهران را پشت سر گذاشت و رفت اما یادش از دلها نخواهد رفت. سلام ما را به امام رئوف برسان...

البته قرار است حسین امیرعبداللهیان وزیر امور خارجه شهید فردا پنج شنبه ( ۳ خرداد) بعد از برگشتن از مشهد مقدس و پابوسی آقا؛ در حرم حضرت عبدالعظیم حسنی به خاک سپرده شود و در جوار شاه عبدالعظیم آرام گیرد، حجت‌الاسلام سید محمدعلی آل هاشم نماینده ولی‌فقیه و امام جمعه تبریز، مالک رحمتی استاندار آذربایجان شرقی، سردار سید مهدی موسوی فرمانده یگان حفاظت ریاست جمهوری و تعدادی از خدمه پرواز که در این حادثه تلخ رئیس جمهور خود را تنها گذاشتند هم به دیار خود بر می گردند تا برای همیشه در کنار مردمشان باشند.

خیالتان راحت باشد، مردم ایران هیچ وقت فراموشتان نمی کنند.  
راهتان سبز و پاینده ...